

آلبر کامو

# مرگ خوش

ترجمه

احسان لامع



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

## اراده معطوف به خوشبختی

"مرگ خوش"، تنها اثر آلبر کامو است که بعد از مرگش منتشر شد. این کتاب، پیش‌زمینه‌ای برای نوشتن "بیگانه" بوده است. کامو این اثر را در جوانی نوشت و بیشترین خاطرات خود را از سفرش به منطقه‌ی بلکو، اروپای مرکزی، به‌ویژه ایتالیا به تصویر کشید.

بی‌شک کامو در این رمان تحت تأثیر نیچه بوده است. "در سن بیست و پنج سالگی، کامو رمان مرگ خوش را می‌نویسد و چهره‌ی دیونیزیوس و مقوله‌ی اراده‌ی معطوف به خوشبختی را نشان می‌دهد که عصیان قهرمان داستان خود را با اندیشه‌ی خلاف زمانه‌ی نیچه، تغذیه می‌کند." کامو به دنبال خوشبختی است و خوشبختی در گرو داشتن پول و ثروت، و این که انسان فقیر نباشد. اما نیچه انسان فقیر را ناتوان و توانگر را بخشاینده می‌داند. نیچه می‌نویسد: "آن کس که از زندگی فقیر است، آن کس که ناتوان است زندگی را نیز بیچاره و گدا می‌کند. توانگر از زندگی، زندگی را توانگر می‌کند. آن یکی انگل زندگی است و این یکی بخشاینده و فزاینده‌ی

---

۱. آلبر کامو / افسانه‌ی سیزیف؛ ترجمه‌ی دکتر محمود سلطانیه؛ با پیش‌گفتاری از دکتر حامد فولادوند؛ نیچه و آلبر کامو؛ شورش با دلیل، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۴.

زندگی".<sup>۱</sup> کامو جایی در "مرگ خوش" می‌نویسد: "هر آدمی احساس اراده و خوشبختی کند مستحق ثروتمند شدن است".

اما این اثر بی‌شبهت به رمان "جنایت و مکافات" داستایوسکی نیست. مورسو شخصیت اصلی "مرگ خوش"، مرد افلیجی را به خاطر تصاحب اموالش به قتل می‌رساند تا به خوشبختی دست یابد. راسکلنیکوف شخصیت اصلی "جنایت و مکافات" هم پیرزنی را به خاطر تصاحب اموالش به قتل می‌رساند تا به خوشبختی دست یابد.

کامو در این اثر برخلاف "بیگانه" که نثری ساده و روان دارد، به دنبال سبک نوشتاری خاص بوده است. او در "مرگ خوش" به نوعی به هنرنمایی پرداخته و از همه‌ی توانش در به‌کارگیری واژگان و جملات، حتی تصویرپردازی، گفتارهای درونی و فلسفی استفاده کرده است.

در این اثر شاهد شباهت‌ها و تفاوت‌های آشکاری نسبت به دیگر آثار کامو هستیم. شباهت بسیار واضح آن با دیگر آثار کامو از جمله "طاعون"، "بیگانه"، "سوء تفاهم" و "کالیگولا" در این است که "مرگ خوش" حول محور مرگ می‌چرخد؛ در "طاعون" انسان‌ها بر اثر بیماری می‌میرند، در "بیگانه" فرد عربی کشته می‌شود، در "سوء تفاهم" برادری به قتل می‌رسد و در "کالیگولا" مردم بی‌جهت قربانی می‌شوند.

اما تفاوت بارز این اثر با دیگر آثار یاد شده در این است که آنها به پوچی می‌رسند<sup>۲</sup>، اما مورسو، شخصیت اصلی داستان، در "مرگ خوش" پس از قتل زاگرو، به دنبال خوشبختی می‌رود، به زندگی‌اش معنا می‌بخشد و به ظاهر خوشبخت می‌میرد.

۱. اراده‌ی معطوف به قدرت / فریدریش نیچه؛ ترجمه‌ی دکتر محمدباقر هوشیار. تهران: انتشارات فرزانه.

۲. پوچی معادل افسورد است و برخلاف تصور عده‌ی کثیری که نیهیلیسم را پوچی می‌دانند، نیهیلیسم را می‌توان به نیست‌گرایی یا فانی‌گرایی ترجمه کرد. اما آنچه نیچه بر آن می‌تازد، نیهیلیسم و نه افسوردیسم است. این دو مقوله معنای متفاوتی دارند که در بحث ما نمی‌گنجد.

و اما در باب ترجمه: بنده با اطلاع از سختی‌ها و دشواری‌های ترجمه‌ی چنین اثری که مسلماً تجربه‌ی زیادی را می‌طلبد، و به این دلیل که اثر نایاب دیگری از این نویسنده‌ی بزرگ را به علاقه‌مندانم عرضه کنم دست به ترجمه‌ی آن زدم، و تا جایی که توانستم از متن اصلی دور نشدم. "هر ترجمه‌ای هرچند زیبا نمی‌تواند ارزش متن اصلی را داشته باشد."<sup>۱</sup> اما در حد توان امانتدار بودم. "کشمکش بر سر امانتداری شکافی است میان زبان مبدأ و مقصد که همواره در تئوری و روش ترجمه، مشکل‌ساز باقی خواهد ماند."<sup>۲</sup>

احسان لامع

شهریور ۱۳۸۵

۱. بخشی از مقاله‌ی "وظیفه‌ی مترجم" به قلم والتر بنیامین.

2. Approach to translation, Peter Newmark, first pub 1988, page 38 3.